# ادامه بحث اراده و مشیت:

1. اجماع است که خداوند با اراده اشیاء را ایجاد کرده است.
2. ذات خدا نمی تواند علت ایجاد اشیاء باشد، زیرا اگر ذات علت باشد، لازمه اش این است که همه اشیاء ازلی باشند، و همیشه باشند. به عبارت دیگر اگر شیء خاصی ایجاد شده است بین ذات و آن شیء اتفاقی افتاده است که این شیء تحقق یافته است، آن چیزی که اتفاق افتاده است، همان اراده است.

## ادله روایی بر مسئله اراده:

* الإمام الکاظم:... كُلُّ شَيْ‏ءٍ سِوَاهُ مَخْلُوقٌ وَ إِنَّمَا تُكَوَّنُ‏ الْأَشْيَاءُ بِإِرَادَتِهِ‏ وَ مَشِيَّتِهِ مِنْ غَيْرِ كَلَامٍ وَ لَا تَرَدُّدٍ فِي نَفْسٍ وَ لَا نُطْقٍ بِلِسَان‏.
* التوحید: مَاجِيلَوَيْهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْقَمَّاطِ قَالَ قَالَ أَبُوعَبْدِ اللَّهِ:خَلَقَ اللَّهُ الْمَشِيئَةَ قَبْلَ‏ الْأَشْيَاءِ ثُمَّ خَلَقَ الْأَشْيَاءَ بِالْمَشِيئَةِ.
* التوحید: أَبِي عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ­أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ أَبِي­عَبْدِ اللَّهِ  قَالَ: خَلَقَ اللَّهُ الْمَشِيئَةَ بِنَفْسِهَا ثُمَّ خَلَقَ الْأَشْيَاءَ بِالْمَشِيئَةِ.
* عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي­عَبْدِاللَّهِ، قَالَ:«الْمَشِيئَةُ مُحْدَثَةٌ»..[[1]](#footnote-1)
* الإمامُ الرِّضا: المَشیئَةُ والإرادَةُ مِن صِفاتِ الأفعالِ، فمَن زَعَمَ أنَّ اللّه َ تَعالى لَم یَزَلْ مُریدا شائیا فلَیسَ بِمُوَحِّدٍ.
* عنهـ لَمّا سَألَهُ بُکَیرُ بنُ أعیَنَ عَن عِلمِ اللّه ِ و مَشیئَتِهِ: هُما مُختَلِفانِ أم مُتَّفِقانِ؟ ـ : العِلمُ لَیسَ هُوَ المَشیئَةَ، أ لا تَرى أنَّکَ تَقولُ: سَأفعَلُ کَذا إن شاءَ اللّه، و لا تَقولُ: سَأفعَلُ کَذا إن عَلِمَ اللّه، فقَولُکَ إن شاءَ اللّه ُدَلیلٌ عَلى أنَّهُ لَم یَشأْ، فإذا شاءَ کانَ الّذی شاءَ کما شاءَ، و عِلْمُ اللّه ِسابِقٌ لِلمَشیئَةِ. [[2]](#footnote-2)

امام صادقـ در پاسخ به این پرسش بُکَیر بن اَعین که آیا علم و مشیّت خدا با هم فرق دارند یا یکى هستند؟ ـ فرمود : علم با مشیّت فرق مى­کند. مگر نه این است که تو مى­گویى: اگر خدا بخواهد، این کار را خواهم کرد و نمى­گویى: اگر خدا بداند، این کار را خواهم کرد ؟ پس این که مى­گویى: اگر خدا بخواهد، دلیل بر این است که خدا نخواسته است (خواست و مشیّت خدا هنوز به تحقق یافتن کار مورد نظر تو تعلق نگرفته است)؛ زیرا اگر مى­خواست آنچه خواسته است مطابق خواست او تحقّق مى­یافت؛ و علم خدا مقدّم بر مشیّت است.

## نکته پایانی، بیان دو شبهه:

\*\*شبهه اول:\*\*

برخی بر این باورند که وقوع یک حادثه در زمان معین، نه پیش از آن و نه پس از آن، نیازمند مخصص است؛ و از آن‌جا که علم و قدرت الهی ازلی‌اند و نمی‌توانند مخصص باشند، لذا «علم به اصلح» را به‌عنوان مخصص مطرح می‌کنند؟

\*\*پاسخ:\*\*

استاد این استدلال را نمی‌پذیرد و بیان می‌دارد: از آن‌جا که حصر مخصص به علم و قدرت، مبنای عقلی ندارد، استدلال به «علم به اصلح» نمی‌تواند مخصص بودن آن را اثبات کند.

\*\*شبهه دوم:\*\*

اگر اراده به «علم به اصلح» بازنگردد، دو حالت بیشتر ندارد:

1. یا اراده قدیم است: در این صورت تعدد قدیم پیش می‌آید که به‌وضوح باطل است.

2. یا اراده حادث است: که مستلزم آن است که اراده به‌عنوان کیف نفسانی (حالتی درونی) تلقی شود، و از آن‌جا که کیف نفسانی عرض است، نیاز به محل دارد. این حالت نیز دو صورت دارد:

- یا محل عروض آن خارج از ذات الهی است که ارتباطی با بحث ما ندارد.

- یا محل آن ذات الهی است که در این صورت باید پذیرفت که ذات الهی قابل تغییر و تطور است، که این نیز باطل است.

\*\*پاسخ:\*\*

این تفسیر از اراده نادرست است. متکلمان اراده را به معنای ایجاد و خلق می‌دانند، نه به‌عنوان کیف نفسانی. بنابراین، اراده نیازی به محل عروض ندارد و در نتیجه اشکال‌های مذکور وارد نیست.

1. بحار الأنوار الجزء والصفحة : جزء 5 / صفحة [ 122 ] [↑](#footnote-ref-1)
2. .[التوحيد : 146/16.] [↑](#footnote-ref-2)